

علل ضعف پوشش و راهکارهای بهینه‌سازی آن

زینت نخعی*

چکیده

خداوند نعمت لباس و پوشاک را به بشر ارزانی داشت و میل به پوشش را در فطرت او به ودیعه گذاشت؛ بنابراین در طول قرون و اعصار گوناگون پوشیدگی بشر در میان جوامع مختلف به جز در موارد معدودی به‌خوبی نمایان است.

در جهان معاصر، قانون حجاب نادیده گرفته شده است و خودآرایی برای زن ارزش، و حجاب، علامت عقب ماندگی و ارتجاع گردیده است. کشورهای اسلامی نیز تحت تأثیر تبلیغات دشمنان قرار گرفته‌اند و حجاب و بی‌بندوباری را آزادی نام نهاده‌اند.

ولی در ایران در جریان انقلاب اسلامی، انقلاب حجاب، تحت عنوان بازگشت به اصل مورد توجه قرار گرفت. در کشورهای آمریکایی و اروپایی همچون فرانسه حجاب به صورت یک مسئله بحران‌زا برای این کشورها در آمده است و حجاب در میان زنان تحصیل کرده و موفق این کشورها و کشورهای دیگر به چشم می‌خورد. هرچند بیگانگان در کشورهای اسلامی و از جمله ایران از طرق مختلف سعی در ایجاد فساد و بی‌بندوباری و از بین بردن حجاب اسلامی دارند و تا حدودی نیز موفق بوده‌اند.

این مقاله با هدف بررسی عوامل مختلفی که باعث ضعف پوشش گردیده‌اند اعم از عوامل درونی و بیرونی که عواملی همچون عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... را در برمی‌گیرد و ارائه راهکارهای لازم با تکیه بر آیات و روایات تدوین گردید.

کلیدواژه‌ها: زینت، حجاب، جلیباب، مد، حیا، تبرج.

مقدمه

حجاب واژه‌ای است عربی با معانی متعدد مانند: پوشش، وسیله پوشیدن، حایل و....

استاد مطهری در ذیل عنوان واژه حجاب آورده‌اند: «کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب، بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست؛ آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

در ادامه می‌فرماید: «استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها، کلمه ستر که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند، کلمه «ستر»، را به کار برده‌اند نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم؛ زیرا چنانکه گفتیم معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که حجاب گرچه در لغت اغلب به معنای پرده و حایل به کار می‌رفته است، اما امروزه به‌ویژه در اصطلاح، فقط به معنای پوشش مخصوص زنان به کار می‌رود و لذا در کلمات فقها و مفسرین متأخر و نویسندگان معاصر به جای کلمه «ستر» یا «پوشش» از این واژه استفاده

می‌گردد و به معنای پرده به کار نمی‌رود.

موضوع حجاب در چهارچوب بحث دفاع از حقوق زن، سال‌هاست مطرح گردیده است و آثار زیادی در این زمینه به رشته تحریر در آمده است؛ ولی نکته‌ای که شایان ذکر است اینکه تحقیقاتی که تاکنون به عمل آمده عموماً جنبه فقهی و تفسیری داشته و به جنبه‌های اجتماعی حجاب زنان توجه نشده است و مطالب آنهاچندان ناظر به ریزمسائل و معضلات پوشش در جامعه کنونی نیست و لذا این به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف تدوین این مقاله بوده است.

عوامل درونی

در این قسمت به برخی عوامل درونی و روانی که باعث بدحجابی و جلوه‌گری زنان می‌شود، اشاره می‌گردد و راهکارهایی برای درمان آن داده می‌شود.

۱. اشتیاق به پسندیدگی و تحسین برانگیزی

یکی از نیرومندترین محرک‌های زندگی زن تمایل به برانگیختن احساسات دیگران و مورد پذیرش قرار گرفتن از جانب آنهاست. برخی از مردان تمایل را نشان علاقه و عشق زن به خودشان می‌پندارند، حال آنکه گاهی چنین نیست؛ زیرا زن به علت اشتیاقی که بر توجه دارد، خرده‌گیری‌های دیگران را نیز چون نشانه توجه به اوست. دوست دارد و حس توجه برانگیزی او بدین وسیله ارضا می‌گردد (غلامی، ۱۳۸۱، ص ۶۵).

در حقیقت اغلب مردها پیش از آنکه به امتیازاتی مانند داشتن فکر و عقل سالم توجه کنند، مجذوب زیبایی ظاهری زن می‌شوند؛ در واقع این احساس جزو

سرشت زن است و زنان پاک نیز از آن گریزی ندارند ولی فردی که دارای اعتقادات درست دینی نیست، این هدیهٔ خدایی عالمی برای انحراف و لغزش او می‌گردد و به جای اینکه برای همسر باشد، برای مردان بیگانه جلوه‌گری می‌کند و در حضور همسر، خود را از او می‌پوشاند که بر اساس روایات بدترین زنان اینها معرفی شده‌اند و لذا زنان باید از هرگونه خودنمایی برای نامحرم بپرهیزند.

برای هدف‌دار کردن این تمایل ذاتی و جلوگیری از آثار زیانبار آن باید به نکاتی توجه داشت:

الف. زمانی که دختران با آموزه‌های دینی تربیت نشوند، به جلوه‌گری و تحسین برانگیزی تمایل زیادی دارند؛ به گونه‌ای که این تمایل ممکن است تا مرز جنون نیز بکشد و محیط خانه و مجالس خانوادگی را برای ارضای این نیاز کافی ندانند و هر عامل بازدارنده از جمله حجاب را عامل ناکامی خود بدانند؛ در حالی که قرآن و روایت زن را از هرگونه خودنمایی و دلفریبی برای نامحرم نهی کرده است و آن را تبرّج نامیده است.

لذا مربیان و والدین باید به او تفهیم کنند که این اقدامات نه تنها به او آرامش نمی‌دهد بلکه با توجه به اینکه میل به خودنمای در زنان بیشتر است، اگر درست کنترل نشود، تمایل او را برای جلب نظر بیگانگان بیشتر می‌کند و او را به ابتذال و انحراف می‌کشاند.

ب. اگر خداوند میل به دلربایی را در زن قرار داده است، شرم و حیا و پاک‌ی را نیز در حد بالا به او ارزانی بخشیده است تا او از این تمایل سرکش در جهت حمایت همسر و حفظ او از گناه بکوشد (همان، ص ۶۷)؛ چنان‌که رسول خدا فرموده است: «الحياء عشرة اجزاء، فتسعة في النساء و واحد في الرجال»

(متقی هندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۱۲۱): حیا ده قسمت دارد، نه جزء آن در زنان و یکی در مردان است.

ج. به خواسته‌ها و استعدادهاى زنان و دختران توجه شود تا برای ارضای تمایلات خود در صدد جلب توجه بیگانگان برنیایند. علاوه بر این، تنها زیبایی‌های ظاهری نیست که فرد را آرام و او را ارضا می‌کند، بلکه نیروهای شگفت باطنی افراد می‌تواند همه را دچار حیرت کند (غلامی، ۱۳۸۱، ص ۶۸). در روایتی از امام عسکری علیه السلام آمده است که: «حُسْن الصَّوْرَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ وَ حَسَنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۷): زیبایی صورت، جمال ظاهری انسان است و زیبایی عقل و فکر، جمال باطنی اوست. بدین ترتیب جمالی که شایسته بشر است جمال علم و اخلاق و زیبایی صفات حمیده و سجایای انسانی است. در حدیث دیگری حضرت امیر علیه السلام می‌فرمایند: «الْعِلْمُ جَمَالٌ لَا يُخْفَى وَ نَسَبٌ لَا يُجْفَى» (هریسی، [بی‌تا]، ص ۵۴): زیور دانش برای انسان جمالی است که پوشانده نمی‌شود و نسبی است که مورد جفا قرار نمی‌گیرد.

۲. بازتاب فشارهای روانی یا نمودی از عقدهٔ حقارت

روان‌شناسان یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان را «ابراز خود» دانسته‌اند. آنان فشارهای روانی و اجتماعی و برآورده نشدن خواسته‌های فردی را موجب ایجاد عقده‌های روانی مخصوصاً عقده حقارت در ضمیر ناخودآگاه فرد معرفی کرده‌اند و لذا این امیال ارضا نشده در انتخاب پوشاک، طرز برخورد و سخنان فرد نمود پیدا می‌کند (محمدی آشنایی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸).

در روایتی بزرگ‌ترین بلا را فقر روحی دانسته‌اند و در واقع همین امر است که

باعث می‌شود فرد احساس حقارت کند و محتاج بیرون از خود گردد و آن روایت این‌گونه است «لا فقر كفقر القلب و لا غنى كغنى النفس» (محمدری شهری، ۱۴۰۴ ق، ج ۷، ص ۵۱۰): هیچ فقیری مانند فقر قلب نیست و هیچ ثروتی مانند ثروت روح نیست.

روان‌شناسان می‌گویند «زنان و مردانی که در تعویض لباس و انتخاب رنگ‌های متنوع مبالغه و وسواس دارند جز جبران یک نقیصه ذاتی کار دیگری نمی‌کنند. افراط در لباس پوشیدن هم نظیر افراط در حرف زدن نوعی مبالغه و زیاده‌روی است.

زیاده‌روی هم شکل منحرف و «بی‌گم کرده‌ای» از حس حقارت است. زنی که مورد توجه مردان نباشد می‌کوشد تا با پوشیدن لباس‌ها و زینت‌های مختلف نازیبایی خود را جبران کند و احياناً توجه دیگران را از نقایص صوری خویش منحرف سازد (کی‌نیا، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۹۴۰).

۳. آشنا شدن با دنیای اسرارآمیز مردان

مشاهدات، گویای این است که برخی از خانواده‌ها که اصول اخلاقی و ضوابط اخلاقی اجتماعی را به درستی به فرزندان - مخصوصاً دختران - نیاموخته‌اند، نامحرم در نظر آنها واژه‌ای ترسناک است و برای کسی که او را بدون هیچ توجیه منطقی از مرد دور نگه داشته‌اند، یک راه شناخت دنیای مردان روی آوردن به اوست تا از روحیات و خصوصیات او آگاهی یابد. کم‌پوشیدگی و نیمه‌برهنگی برای برخی راهی است برای ورود به دنیای اسرارآمیز جنس مخالف؛ زیرا در این صورت متانت مرد تحت تأثیر هوای نفس قرار گرفته است و نقاط ضعف او را به

زن می شناساند (غلامی، ۱۳۸۱، ص ۸۸) که به قول حضرت علی علیه السلام: «من غلب هواه عقله افتضح» (هریسی، [بی تا]، ص ۶۵۰): آن کس که تمایلات نفسانی بر عقلش غالب شود رسوا می شود.

پس لازم است به جای اینکه دختران را از مردان و پسران به طور افراطی دور نگه داریم، نکاتی را در نظر داشته باشیم:

۱. زمانی که موضوع یا خاطره ای بیان می گردد، باید واقعیت برای فرزندان گفته شود و هرگز سعی نشود برای ایجاد ترس بیشتر، واقعه را تحریف نمود.

۲. در تعلیم اصول و معارف دین باید بر طبق آنچه که دین خواسته، عمل نمود و نخواهیم پرهیزگارتر از آن چیزی باشیم که خدا خواسته است؛ لذا همان گونه که رفتارهای ممنوع برای آنها بیان می شود باید آنچه حلال است نیز گفته شوند و آزاد باشند که البته این آزادی باید همراه با کنترل و نظارت باشد (همان، ص ۹۰).

چنان که حضرت فاطمه و حضرت زینب علیهما السلام که مظهر عفاف و حجاب بودند، در جایی که لازم بود چنان شیوا و با صلابت سخن می گفتند که کمتر مردی می توانست چنان سخن بگوید. در روایتی آمده است: «و لم ار والله خَفَرَه قط انطق منها» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۰۸): به خدا سوگند هرگز زن با آزرمی را ندیدم که از زینب علیها السلام شیواتر سخن بگوید.

۳. در دوره نوجوانی و جوانی باید پیرامون شناخت طبیعت زن و مرد با فرزندان گفتگو کرد تا قبل از آنکه از طریق رفتارهای انحرافی بخواهند با دنیای آنها آشنا شوند ما همان اطلاعات را به آنها بدهیم نه اینکه به سبب هراس، در امر آموزش و راهنمایی آنها کوتاهی کنیم (غلامی، ۱۳۸۱، ص ۹۱).

بدین ترتیب اگر جوانان معرفت و علم لازم را پیدا کنند، کمتر به سوی فساد و رفتارهای انحرافی کشیده می‌شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من عمل علی غیر علم کان ما یفسد اکثر مما یصلح» (ابن شعبه جرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۶): کسی که کارش بر پایه علم و معرفت استوار نباشد، زیان و فساد عملش بیشتر از خیر و مصلحت است.

۴. ضعف حیا

بی‌حجابی از مصادیق بارز بی‌حیایی است که از ضعف ایمان سرچشمه می‌گیرد. امام صادق علیه السلام فرموده است: «لا ایمان لا حیاء له» (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۲): ایمان ندارد کسی که حیا ندارد.

حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «ما المجاهد الشهید فی سبیل الله باعظم اجراً ممن قدر فعفر، لکاد العقیف أن یکون ملکاً من الملائکه» (فیض‌الاسلام، ۱۳۰۳، ج ۴۶۶) اجر و پاداش جهادکننده‌ای که در راه خدا کشته شود، بیشتر نیست از کسی که [بر حرام و ناشایسته] توانایی داشته باشد و عفت و پاکدامنی به کار برد، نزدیک است شخص پاکدامن فرشته‌ای از فرشتگان شود.

پوشش و حیا تفکیک‌ناپذیرند و تا جلوه‌ای از حیا در زنی باشد، پوشش او با جدیت مراعات می‌شود. زنان باحیا کسانی هستند که با پوشش کامل خود از به نمایش گذاشتن زینت‌های خود شرم دارند. زنانی که اسرار و زیبایی‌های جسمانی خود را به نمایش می‌گذارند، پرده بین خود و خدا را دریده‌اند. بدحجابی از آفات پاکدامنی به حساب می‌آید و عقیف بودن زن بدحجاب بی‌معنا است (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲).

در حقیقت بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب هر چه پوشش ظاهری بیشتر باشد، در تقویت روحیه درونی تأثیر بیشتری دارد و بالعکس.

قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثر اشاره فرموده است. نخست به زنان سالمند اجازه می‌دهد که بدون قصد تبرّج و خودنمایی لباس‌های رویی خود مانند چادر را بردارند، ولی می‌گوید: اگر عفت بورزند؛ یعنی حتی لباس‌هایی مثل چادر و مانند آن را بردارند بهتر است (مهدی زاده، ۱۳۸۱، ص ۲۴). ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور: ۶۰)، و بر زنان از کار افتاده‌ای که امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند و عفت ورزیدن برای آنها بهتر است و خدا شنوای داناست.

اینکه «نیاب» در آیه شریفه به چادر معنا شد به دلیل روایات متعددی است که آن را به جلباب تفسیر کرده‌اند. برای آشنایی با روایاتی که نیاب را به جلباب تفسیر کرده‌اند. (ر.ک: حر عاملی، [بی‌تا]، ج ۲۰، باب القواعد من النساء.)

هر چند حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه مراتب عفاف نیست، ولی عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست.

در آیاتی از قرآن از جمله آیه زیر، حیا و عفت دختران شعیب را در روابط اجتماعی و مشی و مرام آنها را بازگفته است که آیه به این صورت است: ﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾ (قصص: ۲۳)؛ و چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که [دام‌های خود را] آب

می‌دادند و پشت سرشان دو زن را یافت که [گوسفندان خود را] دور می‌کردند. [موسی] گفت: «منظورتان [از این کارها] چیست؟» گفتند: «[ما به گوسفندان خود] آب نمی‌دهیم تا شبانان [همگی گوسفندان‌شان را] برگردانند و پدر ما پیری سالخورده است.»

از این آیه معلوم می‌شود که دختران در عین اشتغال به کار و فعالیت و حضور در صحنه فعالیت‌های اجتماعی حیا و عفت را پاس می‌دارند و نیز همین دختران مشی و مرامی پرواوار داشتند: ﴿فَبَجَاءَ نُهُ إِخْدَاهُمَا تَمَّشِي عَلَى اسْتِخْيَاءٍ...﴾ (قصص: ۲۵): پس یکی از آن دو زن - در حالی که به آزر گام برمی‌داشت - نزد وی آمد. بدین ترتیب خانواده‌ها باید دختر بچه‌ها را قبل از اینکه به سن تکلیف برسند، با پوشش دینی آشنا کنند و در واقع قبل از اینکه جلوه‌گری‌های آنها آغاز شود باید با حجاب انس بگیرند و اگر این امر با آگاهی و اعتقاد درونی انجام گیرد، فرد را در مقابل فساد و گناه حفظ می‌کند و حیا و عفت را به اوج می‌رساند که: «الحیاء قرین العفاف» (هریسی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۲): شرم و پاکدامنی دوشادوش همند.

۵. هوسرانی

با توجه به اینکه انسان از قوه شهوت برخوردار است، همواره ندای درخواست‌ها در آسمان روحش طنین‌انداز است و اگر بدون در نظر گرفتن ضوابط اخلاقی و دینی به آن پاسخ دهد، او را به انسانی هوسران تبدیل می‌کند و از دشمن خدا اطاعت نموده است (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۰).

امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «من اطاع هواه اعطی عدوه مناه» (قمی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۷۲۸): هر کس از هوای نفس خود پیروی کند با این کار آرزوهای دشمن خویش را برآورده کرده است.

بنابراین، پیروزی بر هوای نفس کاری بسیار مهم و سخت است؛ چنان که حضرت سلیمان علیه السلام می فرماید: «أَنَّ الْغَالِبَ لَهُوَ أَشَدُّ مِنَ الَّذِي يَفْتَحُ الْمَدِينَةَ وَحَدَهُ» (مالکی، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۶۰): کسی که بر هوای نفسش پیروز شود، سرسخت تر از آن کسی است که شهری را به تنهایی فتح کند. گروهی از زنان و مردان به دنبال مدل های متنوع لباس برای خودنمایی و شیک شدن هستند و آنها با این اقدامات از فطرت و دین خدا فاصله گرفته اند و خود را اسیر نفس اماره و وسوسه های شیطانی نموده اند و تنها راه نجات آنها بازگشت به دین است.

۶. ضعف ایمان

یکی از مهم ترین عواملی که باعث فساد و بدحجابی می شود، ضعف ایمان و معنویت است و کسی که مؤمن و معتقد به خدا باشد، این ایمان و اعتقاد همچون پناهگاهی است که او را از افتادن در گناهان حفظ می کند و به بهشت رهنمون می سازد؛ چنان که خداوند می فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ؛ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾ (نازعات: ۴۰-۴۱): و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس بازداشت، جایگاه او همان بهشت است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «اعلموا، عبادالله أن التقوى دار حصن عزيز، و الفجور دار حصن ذلیل، لا یمنع اهلی، و لا یحرز من لجاجاً الیه، ألا و بالقیوم تُقطع حُمه الخطایا» (فیض الاسلام، ۱۳۰۳، ص ۴۹۴، خطبه ۱۵۶): بندگان خدا بدانید که تقوا و پرهیزگاری سرای حصاردار ارجمندی است و گناهان سرای حصاردار

خوار، که ساکن خود را (از بلا و سختی) نگاه نمی‌دارد و هر که به آن پناه برد حفظش نمی‌کند. آگاه باشید به سبب پرهیزگاری نیش زهردار گناهان دور می‌شود.

۷. عدم آگاهی و ناآشنایی با احکام پوشش و لباس

چنان‌که مشاهده می‌شود، یکی دیگر از علل بروز پدیده بی‌حجابی و بدحجابی ناآشنایی برخی از خانواده‌های مسلمان با احکام و حدود پوشش اسلامی، اهمیت و ضرورت حجاب و مفاسد بی‌حجابی است که این ناآشنایی و جهل نسبت به این مسائل از ضعف ایمان ناشی می‌شود.

در روایتی از حضرت علی علیه السلام آمده است: «الجهل أصل كل شر» (هریسی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۹): جهل ریشه هر شری است؛ و همین عامل باعث شده که برخی از خانواده‌ها مرز دقیق بین محرم و نامحرم را نمی‌شناسند و در ارتباطات خانوادگی با سر و روی برهنه در کنار هم به گفتگو و شوخی و خنده و... می‌پردازند و بسیاری از زنان مسلمان دیده می‌شوند که با لباس آستین کوتاه در زیر چادر و یا بدون روسری برای خرید بیرون می‌روند. بی‌تردید اگر این دسته از افراد به مسائل مربوط آگاهی لازم را پیدا کنند، در صدد اصلاح برمی‌آیند.

ولی بعضی اهمیت و ضرورت مسئله پوشش و عواقب سوء بی‌حجابی را سرسری و غیر مهم می‌پندارند و در رعایت آن دقت کافی ندارند؛ در حالی که نمی‌دانند مواجهه با چهره آرایش کرده و یا پوشش محرک ممکن است جوانی پاک را به انحراف بکشاند (هدایت خواه، ۱۳۷۵، ص ۱۶۳).

عوامل بیرونی

در اینجا عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... که در ایجاد فساد و بدحجابی نقش مؤثری دارند، بیان می‌گردد و راه‌هایی جهت رفع این مشکلات ارائه می‌شود.

۱. الگوهای ناهنجار

یکی از ویژگی‌های فطری انسان این است که به دنبال الگوست و می‌خواهد از دیگران تقلید نماید. چنانچه در فصل قبل نیز اشاره شد، انتخاب الگوهای وارسته که باعث گردند انسان از نظر معنوی و اخلاقی پیشرفت کند، بسیار پسندیده است و قرآن نیز به ارائه مدل‌ها و الگوهای جامع و شایسته عنایت کامل داشته است و افرادی اعم از زن و مرد را به عنوان الگو و نمونه برای مؤمنان معرفی کرده است. در نقش کلی و اساسی تربیتی، پیامبر را به عنوان الگو و اسوه برای مردم قرار داده است.

اگر انسانی وارسته شد، الگوی دیگر انسان‌هاست. اگر مرد است الگوی مردم است نه مردان و اگر زن است باز نیز الگوی مردم است نه زنان؛ برای نمونه خداوند در مورد زن فرعون می‌فرماید: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (تحریم: ۱۱). تعبیر قرآن در این آیه این نیست که همسر فرعون نمونه زنان خوب است. بلکه زن خوب نمونه جامعه اسلامی است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۲).

قرآن الگوهای دیگری مانند حضرت مریم علیها السلام و یوسف علیه السلام را - که مظهر عفافند - معرفی می‌کند. شایسته است سیاستمداران دینی نیز به این امر توجه

داشته باشند و با معرفی و تبلیغ الگوهای مناسب این خلأ را پر کنند تا جوانان راه را اشتباه نروند و فلان خواننده یا هنرپیشه و یا بازیگر غربی را الگوی خود نسازند (عامری، ۱۳۸۰، ص ۱۴۹).

علاوه بر نهادهای دینی و فرهنگی، خانواده‌ها نیز نقش مهمی در تعیین الگو برای فرزندان دارند که در فصل قبل تا حدودی به این مسئله پرداخته شد.

۲. تعلیم و تربیت نادرست

از جمله عوامل ترویج پدیده بی‌حجابی، تعلیم و تربیت غربی به یادگار مانده از دوران قبل از انقلاب و خوگرفتن پاره‌ای از خانواده‌ها با آن است. باورهای نادرست در باب مسائل تربیتی، از جمله: اعتقاد به قانون عرضه و تقاضا و اینکه اگر دختر با چهره آرایش کرده و قیافه‌ای زیبا و لباس‌های جاذبه‌دار بیرون نیاید، امکان ازدواج برای او نیست و یا اینکه دختران را قبل از بلوغ و یا حتی در سال‌های اولیه بلوغ نباید به پوشیدن چادر وادار کنیم؛ زیرا عقده‌ای می‌شوند، اعتقاد به اینکه داشتن دوست پسر نشانه‌ای از اجتماعی شدن اوست و یا اینکه باید به جوان آزادی داد تا هرگونه بخواهد بپوشد و آرایش کند و اعتقاد به اینکه پوشیدن چادر برای مکان و زمان خاص است، مانند هنگام تشریف به زیارت و یا مجالس عزا و یا چادر را برای قدیمی‌ها و مادر بزرگ‌ها می‌دانند و صدها باور از این قبیل که در واقع همان رسوبات به جا مانده از تعلیم و تربیت غربی است.

بی‌تردید نقش خانواده‌ها مخصوصاً مادر در این زمینه بسیار مؤثر است (هدایت

۳. اقلیت های مذهبی

با توجه به اینکه پیروان سایر ادیان الهی در داخل کشور اعتقادی به حجاب اسلامی ندارند و از نظر فرهنگی و مذهبی به اروپایی های نزدیک ترند و با آنها بیشتر احساس همبستگی می کنند و با توجه به اینکه در اقلیت نیز هستند رسوخ ارزش های غربی را به نفع خود می دانند تا اینکه بدین وسیله بتوانند در برابر فشار اکثریت مسلمانان برای خود مأوا و پناهگاهی به دست آورند؛ لذا پیروان این ادیان با ظاهری نامناسب در ملأ عام ظاهر می شوند و فساد و بدحجابی را گسترش می دهند. حتی برخی از اینها خود از جاسوسان و عمال استکبار هستند؛ چنان که وزارت مستعمرات انگلیس به جاسوسان خود توصیه می کند برای رواج بی حجابی و فساد و فحشا در میان زنان و جوانان مسلمان، باید زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند (همان، ص ۱۶۶).

«بنا به گزارش هایی از مراجع قضایی و انتظامی تهران، این اقلیت ها به طور گسترده در تولید و توزیع مشروبات الکلی و تشکیل مجالس زنانه و مردانه و احیای مراسم سنتی و جذب جوانان ناآگاه توسط دختران دست داشته اند» (رزاقی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۱).

همفر جاسوس مشهور انگلیس در مورد استفاده از دختران و پسران غیرمسلمان برای به فساد کشیدن جوانان مسلمان می نویسد: «در مورد خام کردن جوانان مسلمان چه دختر و چه پسر باید کوشید و آنها را در دینی مردد ساخت و تا آنجا که می توان از طریق مدرسه ها و کتاب های فاسدکننده و مجلات و جراید و تشکیلات رادیویی و بوی فرندها و گرل فرندهای غیرمسلمانی که برای این منظور در اختیار آنان گذارده می شود، باید اخلاق آنها را فاسد کرد و برای

اجرای این برنامه یک عده دختر و پسر مسیحی در کشورهای اسلامی استخدام نمود و آنها را به منزلهٔ دامی قرار داد که به این وسیله جوانان مسلمان را صید نماید» (همان، ص ۲۱۸).

۴. تأثیر سوء عناصر فاسد

یکی از عوامل رواج بدحجابی عناصر فاسد و بی‌اعتقاد، مرفهین، پس مانده‌های رژیم و گروهک‌های ورشکسته‌اند که به دنبال فرصتی برای اعمال خواسته‌های خود هستند. این عناصر برای اینکه دیگران را به فساد بکشانند، با کمک نیروهای خارجی سرمایه‌گذاری‌هایی مخصوصاً روی دختران و پسران جوان و نوجوان انجام می‌دهند و اینها در واقع با حرکات و ظاهرهای مفسده‌انگیز و لباس‌های الگو گرفته از غرب مخالفت خود را نسبت به نظام آشکار می‌کنند. بر مسئولان امر است که با اینها به طور جدی و قاطع برخورد کنند و کنترل و نظارت دقیق را نسبت به آنها به عمل آورند (رهبر، ۱۳۶۸، ص ۳۵).

۵. ضعف غیرت مردان

غیرت در لغت به معنای تعصب، حمیت و حفظ ناموس است. غیرتمند کسی است که مواظب نوامیس خود اعم از خواهر، دختر، همسر و... باشد و جلوی انحرافات اجتماعی آنها را می‌گیرد و از رفت و آمد افراد بی‌تقوا و لایبالی در منزلش خودداری می‌نماید. انسان هر چه بیشتر با خواسته‌های شهوانی مبارزه کند، این احساس در او نیرومندتر می‌گردد و به ناموس دیگران چون ناموس خود می‌نگرد (محمدی‌نیا، ۱۳۷۴، ص ۳۱۳).

امام صادق علیه السلام فرمود: «ان الله تبارک و تعالی غیور، یحب کل غیور و لغیرته حرم الفواحش ظاهرها و باطنها» (کلینی، ۱۴۱۳ ق، ج ۵، ص ۵۳۳): خداوند سبحان غیرتمند است و غیرتمند را هم دوست دارد و به خاطر غیرتش گناهان زشت چه آشکار و چه پنهانش را حرام کرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «جَدَعَ اللهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ» (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۶۵): خدا بینی مؤمن و مسلمانی را که غیرت نداشته باشد، به خاک ذلت می‌مالد.

البته باید از غیرت‌های بیجا و بی‌مورد پرهیز کرد؛ از جمله حضرت علی علیه السلام در ضمن نامه‌اش به امام حسن علیه السلام فرمود: «أَبَاكَ وَ التَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُوا الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السَّقِيمِ» (کلینی، ۱۴۱۳ ق، ج ۵، ص ۵۲۷): بپرهیز از غیرت بی‌مورد که باعث سقوط زنان سالم و پاکدامن می‌گردد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۶. خانواده

خانواده‌هایی که از تعالیم دینی فاصله گرفته‌اند و به عقاید دینی و مذهبی پایبند نیستند، دین را لقلقه زبان کرده و هر جا با خواسته‌هایشان در تضاد باشد، به راحتی آن را کنار می‌گذارند، که از جمله آنها مسئله حجاب است. پدران و مادرانی که در صدد اصلاح و تربیت فرزندان هستند، باید قبلاً محیط خانوادگی و اخلاق و رفتار خود را اصلاح کنند تا فرزندان با اخلاق و آداب دینی و شایسته تربیت شوند.

(امینی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۱)

والدین باید دقت کنند که رفتارهایشان مشوق جوانان به امور خطا نشود که یکی از مصداق‌های آن سرزنش مکرر والدین است؛ زیرا شخصیت جوان که در

این دوران در حال شکل‌گیری است، تحمل این همه ملامت را ندارد (علم مهرجردی، ۱۳۸۱، ص ۷۷)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الافراط فی الملامه یسبب نیران اللجاج» (حرانی، ص ۸۴): زیاده‌روی در ملامت و سرزنش، آتش عناد و لجاجت را شعله‌ور می‌کند. در روایت دیگری می‌فرماید: «إذا عاتبت فاستبق» (هریسی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۱۸۲): وقتی جوانی را سرزنش می‌کنید، جایی برای گناه و لغزش او باقی بگذارید. بنابراین والدین باید با صبر، سعه صدر و محبت، جوان را راهنمایی کنند تا او از این مرحله حساس به سلامت بگذرد.

۷. بحران‌های اقتصادی

تورم، گرانی و احتکار اگر از عوامل مستقیم نباشند، اما زمینه را برای فعالیت‌های عناصر فسادپرور آماده می‌کنند؛ از یک سو افرادی را که دارای وضع معیشتی درستی نیستند و از نظر اعتقادی نیز پشتوانه محکمی ندارند به شبکه‌های فساد پیوند می‌دهد و آنها را به صورت آلتی در اجرای مقاصد این عناصر فاسد در می‌آورد و همین عقیده‌ها، حقارت‌ها و کمبودها نه تنها باعث فساد می‌گردد که گذرگاه کفر است (رهبر، ۱۳۶۸، ص ۳۶)؛ چنان‌که در روایتی آمده است: «کادالفقر أن یكون کفراً» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۰۴، ق، ج ۷، ص ۴۹۸).

بدون تردید همان‌گونه که رفاه‌زدگی برای عمده‌ای عامل فساد است، فقر و تنگدستی نیز برای برخی چنین است. از طرف دیگر بحران‌های اقتصادی و فشارهای وارد آمده بر قشر کم‌درآمد باعث ایجاد عقده‌های روانی و واکنش می‌گردد؛ بنابراین طبیعی است که فشارهای اقتصادی، تورم، گرانی و عدم توان

کنترل دقیق مسئولان و یا تساهل در این امر باعث سلب اعتماد مردم در توان مدیریتی کشور می‌شود و حتی برخی از افراد را به دهن‌کجی وامی‌دارد و در پاسخ دعوت به عفاف و حجاب واکنش منفی نشان می‌دهند و لذا مسئولان باید تمام توان را برای حل بحران‌های اقتصادی در مورد نیازهای اولیه مردم به کار گیرند و در این صورت است که توفیق بیشتری در ریشه‌کن کردن فساد و منکرات خواهند داشت (رهبر، ۱۳۶۸، ص ۳۶).

۸. فساد اداری

مبارزه با فساد باید از سطح مدیریت کشور آغاز شود و اینها خیل عظیمی هستند که بر برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، قضا و اجرا نظارت دارند.

بی‌شک در کنار افراد خدوم و مؤمن، عناصر فاسد و ناصالحی نیز هستند و این عناصر بزرگ‌ترین عامل جهت آسیب‌پذیر ساختن جامعه و سلب اعتماد نسبت به مدیریت کشور می‌باشند.

بنابراین بانوانی که دارای حجاب کامل هستند، باید در کلیه مراکز دولتی مورد تشویق قرار بگیرند، برخی گمان می‌کنند تنها راه مقابله با مظاهر فساد و بدحجابی این است که با کارکنان متخلف با قاطعیت و شدت باید برخورد شود و حال آنکه قریب به اتفاق این بی‌حجابی‌ها اصلاح‌پذیرند؛ البته نه با شدت بلکه با نیت و نرمی ولی در مرحله آخر اگر با دلیل و برهان و سخن نرم درست نشوند آنگاه باید با آنها با قاطعیت برخورد کرد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُصْلِحْهُ حَسَنَ الْمُدَارَاةِ يُصْلِحْهُ حَسَنَ الْمُكَافَاةِ» (هریسی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۷۱۰): کسی که ملایمت و حسن سلوک او را اصلاح نکند، مجازات بجا و خوب اصلاحش خواهد کرد.

۹. وضعیت فیلم‌های سینمایی

به نظر می‌رسد حجاب به عنوان یک ارزش اساسی که محافظ زن از نگاه‌های مسموم است و نیز از مهم‌ترین شاخصه‌های فرهنگ ملی و دینی ملل مسلمان قلمداد می‌شود و در عرصه‌های گسترده علمی، اجتماعی، سیاسی، هنری و... ضامن حفظ و مصونیت اخلاقی و روانی اوست، در هنر سینمای امروز مورد بی‌مهری قرار گرفته است که منظور حجاب مطلوب و مورد نظر اسلام است نه صرف جواز عبور از فیلتر مقررات پخش.

در این میان حجاب اصیل و کاملی چون چادر بیشتر از بقیه نمادها مورد تحقیر قرار گرفته است و حال آنکه در میان عده زیادی از زنان هنرمند، موفق و تحصیل کرده دارای مقبولیت است.

چادر بیشتر لباس طبقات پایین اجتماع معرفی می‌شود و اگر پوشش زنان تحصیل کرده نیز معرفی گردد، چنان تصنعی است که بیشتر به عمل بر طبق بخشنامه یا دستورالعمل دستگاه‌های فرهنگی - دولتی جلوه می‌کند تا آئینه واقعیت‌های موجود.

نویسنده می‌افزاید علت اصلی چنین رویکردی در مورد شکل پوشش در عرصه هنرهای نمایشی زمان ما دو چیز است: اولاً: اهمیتی که سینماگران برای جاذبه‌های تصویری قائلند که این امر مستلزم این است که بسیاری از مسائل و ملاحظات شرعی نادیده گرفته شود. عامل دومی که به چهره‌پردازی غیراسلامی در برخی صحنه‌های سینمایی دامن می‌زند بی‌اعتقادی و ناآشنایی بسیاری از دست اندرکاران سینما با احکام اسلام است که پیش‌تر نیز روایاتی مبنی بر اینکه ناآشنایی و جهل ریشه هر شری است، ذکر گردید.

بنابراین نهادهای فرهنگی پیش از اینکه به دنبال رفع تکلیف باشند، باید به توسعه و عمق بخشیدن باورهای دینی و ارائه آموزش های مذهبی در میان هنرمندان و بالاتر از آن به تربیت هنرمندان متعهد و مؤمن معتقد به مبانی دینی ارزش و اهمیت دهند تا اینکه ارزش های دینی نه به عنوان تحمیلی قانونی که به عنوان تمایلی خودجوش و باوری قلبی خود را نشان دهد و نقش ارزشمند خویش را در فرهنگ سازی و انتقال دستمایه های دینی به چهارچوب های فکری و فرهنگی جامعه، مخصوصاً مخاطبان جوان خود ایفا نماید. به همین دلیل باید به دنبال هنرمند متعهد بود تا هنر متعهد خود پرورش یابد (شورای فرهنگی زنان، ۱۳۷۹، ص ۲۰۰).



۱۰. وضعیت تلویزیون

در تلویزیون صرف نظر از فعالیت های قابل تمجیدی که از سوی دست اندرکاران سیمای جمهوری اسلامی در زمینه های مختلف سیاسی و نظامی (جنگ تحمیلی) صورت گرفته است، برخی از سریال ها و تئاترهایی که از طریق این دانشگاه بزرگ نمایش داده شده است، مروج بی بندوباری و پوشش های تند و زننده است.

همچنین فیلم های خارجی که در آن صحنه هایی چون قمار و شراب و روابط نامشروع بین زنان و مردان نمایش داده می شود، خود در اشاعه فساد و بدحجابی مؤثر بوده است؛ خصوصاً اینکه برخی از تماشاگران تصور می کنند هر آنچه در تلویزیون نمایش داده می شود، مطابق با موازین شرعی است و لذا به تقلید از آن می پردازند.

نویسنده در ادامه می‌گوید: برای اینکه از پخش فیلم‌ها و برنامه‌های مبتذل که مروج بدحجابی و فساد است جلوگیری شود، باید به این نکات توجه داشت:

الف. با توجه به تأثیر فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی بر اندیشه و رفتار تماشاگران، باید فیلم‌ها و فیلمنامه‌هایی ساخته و نوشته شوند که در آن زندگی زنان و دختران مبتکر و موفق، مخصوصاً زنان مبارز دوران انقلاب مجسم شود و شخصیت حقیقی زنان نمایانده شود.

ب. مقابله با فرهنگ مصرف و اسراف و تبذیر، ترغیب مخاطبان به ساده‌زیستی و ارائه الگوهای اجتماعی و نیز ترویج فرهنگ زهد و تقوی از طریق برنامه‌های جالب و پرمحتوا و آموزنده.

ج. تشکیل جلسات و میزگردهایی با شرکت زنان و جوانان آگاه و مؤمن پیرامون اهمیت حجاب و عوارض بدحجابی و بررسی اقدامات استعماری در کشورهای جهان سوم که عمده‌ترین حربه آنان استعمار فرهنگی و تهاجم به فرهنگ جوامع مستقل جهت مسخ هویت اصیل فرهنگ‌هاست.

د. اهمیت دادن به برنامه‌های جوانان و نوجوانان که باید ضمن اینکه از استحکام بنیادین برخوردار است، با شیوه‌های جذاب و گیرا و شادی‌بخش همراه باشد و از هرگونه بدآموزی اجتناب شود تا این ابزار مهم و همگانی وسیله‌ای برای ترویج فساد و بدحجابی و یا بی‌حجابی نگردد.

حضرت امام علیه السلام رسانه‌هایی مانند سینما، رادیو و تلویزیون را ابزار آموزش به شمار می‌آورد که پیش از انقلاب از آن برای ترویج فساد استفاده می‌شد (رزاقی،

۱۱. گسترش ویدیو بعد از انقلاب

قبل از پیروزی انقلاب ویدیو بیشتر در سازمان‌های فرهنگی و هنری مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ هر چند در بعضی خانواده‌های متمول نیز وجود داشت، ولی بعد از انقلاب به علت رکود فعالیت‌های سینمایی و تلویزیونی به سبک سابق طرفداران فرهنگ غرب که به دنبال یافتن روزنه‌ای به فضای غرب بودند با ورود بی‌رویه ویدیو به تهیه آن پرداختند و با نمایش فیلم‌های ضد اخلاقی سهم زیادی در ترویج ارزش‌های غربی داشتند.

هر چند از اواخر سال ۶۳ مقامات قوه قضائیه اقداماتی برای مقابله با باندهای گسترده ویدیو کلپ‌ها و واردکنندگان نوارهای ویدیویی انجام دادند، ولی هنوز نیز به طور مخفیانه به کار خود ادامه می‌دهند (حاجی ده‌آبادی و صادق‌زاده قمصری، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۲۱۱).

بدین ترتیب ملاحظه می‌فرمایید که نه منع فیزیکی ویدیو و نه حتی ماهواره و اینترنت هرگز کارساز نیست. باید مبارزه با مفسد ریشه‌ای باشد که این امر از طریق تربیت متخصصان متعهد و برنامه‌ها و نرم‌افزارهای اخلاقی مؤثر و تهیه مقدمات اشباع شرعی غرایز امکان‌پذیر است.

۱۲. وضعیت مطبوعات

یکی از راه‌های رواج فرهنگی خاص در یک جامعه، استفاده از تبلیغ غیرمستقیم است که امروزه بیش از هر روش دیگری به کار گرفته می‌شود. در این ارتباط توجه به عکس‌های چاپ شده در مطبوعات مختلف می‌تواند تا حدودی گویا باشد.

نگاهی هر چند گذرا به تصاویر درج شده در مطبوعات کشور نشان دهنده این است که برخی از جراید نه به دلیل اهمیت این تصاویر از جنبه فرهنگی، علمی و... بلکه تنها برای جلب مخاطب بیشتر و یا به جهت یادآوری این تفکر که حجاب مانع اصلی آزادی فردی است، چنین تصاویری را منتشر می‌کنند.

مطبوعات در کشورهای اسلامی به جای اینکه مروج ارزش‌ها باشد، به کم‌رنگ کردن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی دامن زده‌اند و نه تنها نشریات و مطبوعات وابسته به جریان‌های فکری غربی، بلکه نشریاتی که ادعای ترویج ارزش‌های اسلامی را دارند به سمت محو تدریجی ارزش‌های اصیل پیش می‌روند.

نویسنده در پایان، کلام حضرت امام علیه السلام در زمینه رسالت مطبوعات را بیان می‌کند که فرمود: آنچه که جامعه به استثنای بعضی از افراد و یا گروه‌ها به دنبال آن است، در مطبوعات دیده نمی‌شود. مطبوعات باید به ملت خدمت کنند و همان راهی را که ملت در پیش گرفته، دنبال کنند و نیز مبلغ احکام اسلام و مذهب جامعه باشند و اخلاق را در جامعه پخش نمایند. مطبوعات باید مثل معلمین باشند که مملکت و جوانان را تربیت کنند و آرمان ملت را منعکس نمایند (بیهقی، ۱۳۷۳، ص ۱۱).

۱۳. مد

در دانش ریاضی و آمار «مد» یعنی جایی که بیشترین فراوانی آنجا باشد و شاید به همین خاطر این واژه را برای فراوان‌ترین نوع لباسی که مردم در هر سال می‌پوشند به کار می‌برند.

تحقیق نیز نشان می دهد که درصدی از زنان و مردان که به لباس های جذاب (تنگ، کوتاه و...) روی می آورند به دلیل مد روز بودن این لباس هاست. تماس ایرانیان با اروپایی ها و آمدن سفرا و بازرگانان خارجی به ایران و ورود نشریات خارجی از دوره های پیشین، مخصوصاً دوره رضاشاه که دوره خشونت فرهنگی و استیلای قهرآمیز مد و لباس بود، مهم ترین عوامل روی آوردن ایرانیان به پوشیدن لباس های غربی بود. امروزه نیز سرمایه داری غرب جدای از سود و ترویج فرهنگ خود، از حس تنوع طلبی و نوجویی انسان ها برای انباشتن ثروت خود استفاده می کند و به طور دائم مدهای جدیدی را برای پوشش ارائه می نماید. در قسمت بعد نیز به مناسبت در این زمینه مطالبی آورده می شود.

۱۴. بوتیک دارها و فروشندگان لباس های مبتذل

از مهم ترین اهداف سرمایه داران استعماری و تولیدکنندگان غربی، ایجاد نیازهای کاذب در کشورهای جهان سوم به ویژه کشورهای اسلامی و سپس سرازیر نمودن کالای خود به این کشورها می باشد.

در این کشور فروشگاه هایی که به عنوان عمال داخلی آنها هستند، با وارد کردن کفش ها و لباس های نامطلوب و غیر اسلامی نقش مهمی در اشاعه فساد و بدحجابی دارند و باید از ورود این لباس ها ممانعت شود و مدل هایی مطابق با فرهنگ اسلامی و وطنی ارائه شود (رزاقی، ۱۳۶۹، ص ۸۹).

در واقع بیشتر افرادی که به این گونه لباس ها روی می آورند و از آن جهت اشباع هواهای نفسانی استفاده می کنند، اموال خود را از راه درست به دست نمی آورند. امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «مَنْ اَکْتَسَبَ مَالًا فِی غَیْرِ حِلِّهِ

یصرفه فی غیر حقّه» (هریسی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۹۱): کسی که ثروتی را از غیر حلال به دست آورد، در طریقی که غیر حق است، آن را مصرف خواهد کرد. از آنجایی که لباس مردم هر جامعه، نشانگر فرهنگ آن جامعه است، لذا چنان‌که آمد، بیگانگان به ارائه مدهای معرف و مروج فرهنگ بیگانه در کشورهای جهان سوم مخصوصاً کشورهای اسلامی دست زده‌اند و این امر چنان شیوعی یافته که زن محجبه برای یافتن لباسی مناسب و به دور از مدگرایی در زحمت است.

بنابراین لازم است که شکل لباس مخصوصاً برای بانوان را خودی‌ها طراحی نمایند و الا تا زمانی که طرح و رنگ و اندازه لباس را برای ما انتخاب کنند، مقابله با شبیخون فرهنگی چندان مؤثر نخواهد بود (هاشمی، ۱۳۷۱، ص ۶).

۱۵. خودباختگی فرهنگی

خودباختگی فرهنگی مقدمه‌ای برای وابستگی فرهنگی و سیاسی است و تا ملتی ارزش‌های خود را ارج نهد، فریفته ارزش‌های پوشالی بیگانگان نمی‌شود. غرب از زمانی که اصول اخلاقی را کنار گذاشته، به علم و صنعت روی آورده تا خلأ فرهنگی خود را پر کند و با زیرکی تمام توانسته گروه زیادی از مردمان دیگر فرهنگ‌ها را مجذوب فرهنگ خود نماید. به تدریج تقلید شرق از غرب به وضع پوشش سرایت کرد، به طوری که شرقیان حتی از پوشیدن لباس‌های ملی خود متنفر گشتند و به تقلید از غرب پرداختند. از آن جمله، دختران برای نشان دادن ارتقای اجتماعی خود، در روابطشان با پسر و در طرز برخورد و لباس پوشیدن از غرب پیروی می‌کردند تا به عقب‌افتادگی متهم نشوند.

این خودباختگی، تبلیغات و برنامه‌های فرهنگی را نیز در بر گرفت؛ به گونه‌ای که در فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و مطبوعات، زنان باحجاب به عنوان خدمتکار خانه یا مدرسه، فالگیر، جادوگر و عناصر بی‌ادب نمایش داده می‌شوند و بی‌حجابان تمیز و با فرهنگ و مؤدب (غلامی، ۱۳۸۱، ص ۴۹).

در این بعد قضیه باید اعتراف کرد که در برابر برنامه‌های تبلیغاتی گمراه‌کننده بیگانگان، برنامه‌های خشک و تکراری ما نه تنها نتوانسته نیروهای ناآگاه را به اسلام جذب کند که فاقد خصلت جذب عناصر خودی نیز بوده است. با توجه به اینکه تمام امکانات آموزشی و تبلیغی و رسانه‌ها در اختیار ماست، ولی ما شیوه استفاده درست از آن را نمی‌دانیم و بیگانگان عناصر مرموزی نیز از این امکانات در جهت منفی و برای ترویج رفتارهای ضد اخلاقی استفاده می‌کنند؛ از جمله آنها حجاب است که روشنگری‌های لازم درباره آن صورت نگرفته و نظر اسلام در مورد آرایش‌ها بیان نشده است.

همچنین به نظر می‌رسد فیلم‌هایی که به شیوه تخصصی، بیانگر ارزش‌های اخلاقی زنان باشد و بر محور حجاب و متانت دور زند، چنان ساخته نشده است؛ هر چند گاهی؛ گفته می‌شود نگاه به این مناظر چون ناشناسند مانعی ندارد؛ ولی از تأثیر روانی، طبیعی و اخلاقی آن بر روی جوانان نباید غافل شد. بر عهده نهادهای تبلیغی و ارشادی است که برای این امر، طرحی منطقی و عملی بپنداشند و هر چه بیشتر آگاهی افراد جامعه را نسبت به ضرورت این مسئله بالا برند (رهبر، ۱۳۶۸، ص ۳۵).

شایسته است مقام واقعی زن، به وی شناسانده شود تا بفهمد ارزش یک زن در بدن مادی و زیبایی‌های ظاهری او خلاصه نمی‌شود و مقام او بالاتر از آن است که با خودنمایی و پوشیدن لباس‌های زننده، این ارزش کاذب و زودگذر را

حفظ کند؛ چنان‌که بررسی‌های این تحقیق نیز نشان داد برخی به انگیزه خودنمایی و جلب توجه به لباس‌های تنگ، بدن‌نما و نیمه‌برهنه روی می‌آورند. برای زایل کردن این تفکرات نادرست باید اندیشه‌ای برتر را جایگزین آن نمود و این جز با اعتلای فرهنگ حجاب میسر نخواهد شد (اکبری، ۱۳۷۶، ص ۸۳).

۱۶. تلاش استعمار برای زدودن پوشش

دشمنان اسلام برای نابودی اسلام راه‌هایی را در پیش گرفته‌اند تا این دین مقدس را از بین ببرند. آنها سعی دارند با عنوان خیرخواهی و طرفداری از آزادی زن، مقام و مرتبه متعالی او را تنزل دهند.

چنان‌که ملاحظه می‌گردد برخی از زنان مسلمان نیز تحت تأثیر این تبلیغات قرار گرفته‌اند و به تقلید از شرق و غرب دست زده‌اند و حتی برخی از مردان مسلمان نیز زنان خود را تشویق به بی‌حجابی می‌کنند. حال آنکه هدف بیگانگان از این اقدامات این است که کشورهای اسلامی را به بدبختی و گرفتاری بکشانند (موحد قزوینی، [بی‌تا]، ص ۲۲).

بنابراین باید آگاهی فرهنگی و اجتماعی لازم به زنان و مردان داده شود؛ زیرا چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، یکی از علل اصلی ضعف پوشش، ضعف ایمان و عدم آگاهی کافی است؛ علاوه بر آن باید موقعیت ویژه زنان ایرانی که پرچمداران این انقلاب بوده‌اند، تعیین گردد تا اسوه و الگوی دیگران باشند نه آنکه از بیگانگان الگو بگیرند.

همچنین لازم است با استدلال‌های منطقی به فلسفه حجاب و آثار مثبت آن و پاسخگویی به شبهاتی که در این زمینه وارد شده است، پرداخت و مقاصد استعمار

در محو حجاب باید برای آحاد مردم به‌خوبی تبیین گردد (هاشمی، ۱۳۷۱، ص ۶).
نگاهی به گوشه‌ای از طرح استعمارگر انگلیس نشان می‌دهد که آنها به دنبال
محو حجاب بودند و در این‌باره گفته شده که: «در مسئله بی‌حجابی زنان باید
کوشش فوق‌العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی‌حجابی و رها کردن چادر،
مشتاق شوند. باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن از
دوران بنی‌عباس متداول شده و مطلقاً سنت اسلام نیست. مردم همسران پیامبر
را بدون حجاب می‌دیده‌اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به
دوش مردان فعالیت داشته‌اند. پس از آنکه حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان
رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط جنسی
نامشروع با زنان غیرمسلمان ترغیب کنند و از آنها بخواهند کاملاً بدون حجاب،
ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنها تقلید کنند» (واحد، ۱۳۶۳، ص ۴۰).

۱۷. سخت‌گیری‌های نادرست برخی مدارس

در اسلام به نقش حساس معلمان و مربیان آنچنان اهمیت داده شده است که
بدون شک بعد از پدر و مادر بیشترین حقوق را دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:
«ان مثل العلماء فی الارض کمثل النجوم فی السماء یهتدی بها فی ظلمات البر و
البحر» (کاشانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۱): مثل علما در روی زمین، مثل ستارگان آسمان
است در تاریکی‌های خشکی و دریا که به وسیله [انسان] هدایت می‌شود و نیز
می‌فرماید: «وقرؤا من تعلمون منه العلم و قرؤا من تعلمونه العلم» (باینده، ۱۳۶۴، ص
۶۴۱): کسی را که علم از او می‌آموزید محترم دارید و کسی را که علم بدو
می‌آموزید احترام کنید.

چنان‌که تحقیق نشان می‌دهد برخی از مدارس پوشیدن چادر را اجبار می‌کنند و حال آنکه این شیوه کارساز نیست، بلکه باید به صورتی عمل کنند که فرهنگ پوشش دینی با معرفت لازم به مرحله عمل آگاهانه درآید که یکی از شیوه‌ها آموزش حجاب در مدارس است. باید فلسفه، احکام، جایگاه و اهمیت حجاب به طور کامل در سطوح مختلف درسی، تدریس شود و با آموزش‌های عملی لازم همراه باشد و در این هنگام است که پوشش دینی منحصر به زمان رفت و برگشت به مدارس نمی‌شود، بلکه به شکل یک فرهنگ پذیرفته شده رسمیت عملی پیدا می‌کند (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶).

۱۸. ازدواج

یکی از عواملی که در تقلیل میزان مفاسد و انحرافات فکری و اخلاقی نقش دارد، ازدواج است. در آثار و منابع اسلامی نیز ازدواج و پیوند زناشویی یکی از عمده‌ترین عوامل بازدارنده منکرات نام برده شده است.

پیامبر اکرم می‌فرماید: «تزوج و الّا فانت منّ المذنبین» (صدوق، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۶۴۱): ازدواج کن و گرنه از گناهکاران به حساب می‌آیی.

بی‌تردید مسدود شدن راه مشروع و پسندیده پیوند زناشویی، تمایلات جنسی و غریزی جوانان را از راه‌های نامشروع ارضا می‌کند. برخی از موانع و مشکلات عمده که سد راه ازدواجند: آداب و رسوم و ارزش‌های نادرست و دخالت‌های بیجای برخی از پدران و مادران، فقر مالی (مشکل مسکن و بیکاری و...)، طولانی شدن دوران تحصیل و امکان ارتباط‌های نامشروع است.

بر مسئولان، کارگزاران، متولیان و نیز پدران و مادران است که در جهت از بین بردن آداب و رسوم غلط (مانند مهریه‌های سنگین، تشریفات و چشم و هم

چشمی‌های بیهوده) تلاش کنند (رزاقی، ۱۳۶۹، ص ۴۴، ۱۶۲). بهترین ازدواج‌ها آسان‌ترین آنهاست.

همچنین از طریق نهادها و ارگان‌های ذیربط به جوانان برای تهیه جهیزیه، مسکن، وام ... کمک و مساعدت گردد و در ازدواج دختران و پسران بین‌شان وساطت صورت گیرد (رزاقی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۷).

پیامبر اکرم ﷺ در این خصوص می‌فرماید: «افضل الشفاعات ان تشفع بین اثنين فی النکاح» (طوسی، ج ۷، ص ۴۶۷): بهترین وساطت‌ها، وساطت میان دو کس در کار زناشویی است؛ البته در خصوص انتخاب همسر، خانواده باید دقت کافی را مبذول دارد و از هرگونه اقدام عجولانه پرهیزد.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «تنکح المراه علی اربع خلال: علی مالها و علی دینها و علی جمالها و علی حسبها و نسبها، فعلیک بذات الدین» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۷۷): زن را برای چهار چیز می‌گیرند: مال او و شرافت خانوادگی او و زیبایی‌اش و دینش و تو در جستجوی زن دیندار باش.

در جای دیگر می‌فرماید: «انکحوا الاکفاء و انکحوا فیهم» (حر عاملی، [بی‌تا]، ج ۲۰، ص ۴۸): به اشخاص هم‌شأن زن بدهید و از اشخاص هم‌شأن زن بگیریید.

نتیجه

برای رفع بدحجابی و بی‌حجابی راه حل وجود ندارد؛ اما با توجه به آنچه در مقاله ذکر شد، والدین باید با صبر، سعه صدر و محبت جوان را راهنمایی کنند تا از این مرحله حساس به سلامت بگذرد. مسئولان نیز باید با برنامه‌ریزی دقیق و مؤثر و با توجه به آیات و روایات و استفاده از راهکارهایی که ذکر گردید، در جهت رفع این معضل گام بردارند.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه محمّد مهدی فولادوند.
۱. ابن شعبه الحرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفّاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳.
 ۲. اکبری، محمد رضا، *حجاب در عصر ما*، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۸۰.
 ۳. اکبری، محمود، *مروارید عفاف*، قم، انتشارات پارسیان، ۱۳۷۶.
 ۴. امینی، ابراهیم، *آیین همسررداری یا اخلاق خانواده*، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۵.
 ۵. بیهقی، عبدالله، *فرهنگ حجاب ستیزی*، ترویج مطبوعات، جمهوری اسلامی، ۲۴ فروردین، ۱۳۷۳.
 ۶. پاینده، ابوالقاسم، *ترجمه نهج الفصاحه*، [بی‌جا]، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۴.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله، *زن در آیینه جلال و جمال*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲.
 ۸. حاجی ده‌آبادی، محمد علی و علی رضا صادق زاده قمصری، *تربیت اسلامی*، (کاوشی در ۶ رهنمودهای تربیتی امام خمینی، [بی‌جا]، نشر تربیت اسلامی، ۱۳۸۰).
 ۹. حر عاملی، محمّد بن حسن، *تفصیل وسایل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت لاحیاء التراث، [بی‌تا].
 ۱۰. رزاقی، احمد، *عوامل فساد و بدحجابی و شیوه‌های مقابله با آن*، [بی‌جا]، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
 ۱۱. رهبر، محمّد تقی، «*فساد و بدحجابی کودکانی خزننده علیه انقلاب اسلامی*»، پاسدار اسلام، خرداد، ۱۳۶۸.
 ۱۲. واحد، سینا، *قرّة‌العین (درآمدی بر تاریخ بی‌حجابی در ایران)*، [بی‌جا]، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، چاپ اول، ۱۳۶۳.
 ۱۳. شورای فرهنگی اجتماعی زنان، *نمای آنگین ۲* (مجموعه مقالات همایش زن و سینما)، تهران، انتشارات سفیر صبح، چاپ اول، ۱۳۷۹.
 ۱۴. صدوق، محمّد بن حسین بن بابویه، *من لایحضره الفقیه*، تهران، دارالکتب العلمیه، چاپ پنجم، [بی‌تا].
 ۱۵. عامری، حمیده، «*گستره عفاف به گسترده‌گی زندگی*»، کتاب زنان، ش ۱۳، پاییز ۱۳۸۰.
 ۱۶. علم مهرجردی، نسربین، *رابطه دختر و پسر در جامعه کنونی*، تهران، انتشارات آن، ۱۳۸۱.
 ۱۷. غلامی، یوسف، *جلوه‌نمایی زنان و نگاه مردان*، قم، انتشارات لاهیجی، ۱۳۸۱.

۱۸. قمی، عباس، *سفینه البحار و مدینه الحكم والآثار*، [بی جا]، کتابخانه سنایی، [بی تا].
۱۹. کاشانی، محسن، *المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، تصحیح و تعلق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، [بی تا].
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تحقیق و تصحیح محمد جواد فقیه و یوسف البقاعی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. _____، *فروع کافی*، تحقیق و تصحیح محمد جواد فقیه و یوسف التجاعی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. کی نیا، مهدی، *مبانی جرم شناسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
۲۳. مالکی، ورام بن ابی فراس، *تنبيه الخواطر و تزهة النواظر*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، [بی تا].
۲۴. متقی هندی، علاء الدین علی، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، تصحیح صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ق.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۲ ق.
۲۶. محمّدی آشنایی، علی، *حجاب در ادیان الهی*، قم، انتشارات اشراق، ۱۳۷۳.
۲۷. محمّدی ری شهری، محمّد، *میزان الحکمة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. محمدی نیا، اسدالله، *آنچه باید یک زن بداند*، ورامین، مرکز علمی فرهنگی مسجد صاحب الزمان، ۱۳۷۴.
۲۹. موحد قزوینی، محمد ابراهیم، *خواهرم حجاب سعادت است*، ترجمه محمد کاشفی، قم، سیدالشهدا، [بی تا].
۳۰. مهدی زاده، حسین، *حجاب شناسی*، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۸۱.
۳۱. نراقی، محمّد مهدی، *جامع السعادات*، تعلیق و تصحیح محمّد کلانتر، نجف، منشورات جامعة النجف الدینیّه، ۱۳۸۳.
۳۲. *نهج البلاغه*، ترجمه و شرح علینقی فیض الاسلام.
۳۳. هاشمی، «راه های عملی و علمی گسترش حجاب در بین زنان کشور»، اطلاعات، ۲۱ دی ۱۳۷۱.
۳۴. هدایت خوا، ستار زیور عفاف، خراسان، معاونت پرورشی اداره کل آموزش و پرورش، ۱۳۷۵.
۳۵. هریسی، حسن، *غرام الحکم و دررالکلم*، ترجمه محمّد علی انصاری، تهران، [بی تا]، [بی تا].

